فصلنامه حسابداری مالی/سال نهم/ شماره ۳۵ /پاییز ۹۶/صفحات ۲۵- ۱

عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی

حسن زلقی *
عباس افلاطونی**
مهدی خزائی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۳

چکیده

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نقش مهمی در سودمندی اطلاعات جهت فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان دارد. ارتقای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، یکی از اهداف تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری است و این امر مستلزم شناسایی عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه است. در این پژوهش، از سه معیار برای سنجش قابلیت مقایسه استفاده شده و سپس عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در ۱۲۰ شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازۀ زمانی ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۹۴ بررسی گردیده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی (با کنترل اثرات سال‌ها و صنایع) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس معیار اول، متغیرهای اندازۀ موسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و نوسانات بازده دارایی‌ها اثر معناداری بر میزان قابلیت مقایسه دارند. نتایج با استفاده از معیار دوم نشان داد که مدیریت سود و اندازۀ شرکت تأثیر معناداری بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارند. با استفاده از معیار سوم نتایج نشان داد

*استادیار گروه حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)
Email: hzalaghi@gmail.com
**استادیار گروه حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
Email: A.Aflatooni@basu.ac.ir
***دانشجوی دکترای حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
Email: khazaei7@gmail.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

که متغیرهای اندازهٔ موسسه حسابرسی، دورهٔ تصدی حسابرس، مدیریت سود و نوسانات بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری بر میزان قابلیت مقایسه دارند.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه، کیفیت حسابرسی، مدیریت سود، نوسانات بازده دارایی‌ها.

۱- مقدمه

بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، قابلیت مقایسه[1] جزء ویژگی‌های کیفی اطلاعات سودمند است. مطابق این ویژگی، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باید بتوانند این گزارش‌ها را طی دوره‌های مختلف مقایسه کنند تا بتوانند روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری را تشخیص دهند. آنان همچنین باید بتوانند صورت‌های مالی واحدهای تجاری مختلف را با یکدیگر مقایسه کرده تا وضعیت و عملکرد مالی آن‌ها را نسبت به یکدیگر بسنجند. بدین ترتیب ضرورت دارد اثرات معاملات و سایر رویدادهای مشابه در داخل واحد تجاری و در طول زمان برای آن واحد تجاری با ثبات رویه اندازه‌گیری و ارائه شود و بین واحدهای تجاری مختلف نیز هماهنگی رویه در باب اندازه‌گیری و ارائه موضوعات مشابه رعایت گردد (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۷۶). با وجود این ویژگی، استفاده‌کنندگان می‌توانند شرکت‌های مختلف را با هم مقایسه نموده و از طریق مقایسه ارزش فعلی شرکت‌ها و میزان ریسک آن‌ها اقدام به تصمیم‌گیری‌های مالی نمایند (انگلبرگ و همکاران[2]، ۲۰۱۷).

پژوهش‌های پیشین در زمینهٔ عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه، بیشتر بر نقش استانداردهای حسابداری، به خصوص تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی تمرکز داشته‌اند (مانند بارت و همکاران[3]، ۲۰۱۲). با این حال، استانداردهای حسابداری به تنهایی توان تعیین خروجی گزارشگری مالی را ندارد و عوامل اقتصادی، ویژگی‌های صنعت و انگیزه‌های سازمانی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند (فرانسیس و همکاران[4]، ۲۰۱۴). پژوهش‌های داخلی انجام شده نیز بر روی تأثیر قابلیت مقایسه بر روی سایر متغیرهای حسابداری، از جمله سبک حسابرس (محمدی خشوئی و همکاران، ۱۳۹۴)، آگاهی بخشی قیمت سهام (مهرورز و مرفوع، ۱۳۹۵) و ضریب واکنش سودهای آتی (فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۴)، تمرکز داشته و هیچ یک، عوامل تأثیرگذار بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بررسی نکرده‌اند. در مجموع، تعداد پژوهش‌های تجربی در زمینهٔ ویژگی کیفی قابلیت مقایسه نسبتاً محدود است. یکی از دلایل این موضوع آن است که

1 Comparability
2 Engelberg et al
3 Barth et al
4 Francis et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

قابلیت مقایسه یک مفهوم نسبی یا مقایسه‌ای[1] بوده و مانند سایر ویژگی‌های حسابداری یک معیار مطلق یا مستقل[2] نیست (سان[3]، ۲۰۱۶).

مسئله مورد بررسی این پژوهش آن است که کدام ویژگی‌های شرکت بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیرگذار هستند؟ در این پژوهش، ویژگی‌های شرکت با توجه به طبقه‌بندی اخگر و کرمی (۱۳۹۳) انتخاب شده‌اند: اول متغیرهای مربوط به ساختار شرکت مانند اندازه شرکت و نسبت بدهی؛ دوم، متغیرهای نظارتی مانند کیفیت حسابرسی؛ و سوم متغیرهای مربوط به عملکرد شرکت از قبیل سودآوری، بازده، نقدینگی و رشد. هدف این پژوهش آن است که با بررسی پژوهش‌های پیشین، متغیرهایی که به صورت بالقوه با قابلیت مقایسه رابطه دارند شناسایی شده و سپس رابطه آن‌ها با متغیر وابسته قابلیت مقایسه بررسی گردد. توضیح ارتباط بین متغیرها از لحاظ نظری در بخش مبانی نظری آمده است. نوآوری دیگر این پژوهش، استفاده از سه معیار مختلف برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه است. معیارهای اول و دوم مدل‌هایی هستند که در پژوهش‌های پیشین استفاده شده‌اند. ولی در معیار سوم، سعی شده که با رفع انتقادات وارده به مدل‌های قبلی، مدل جدیدی برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه ارائه شود. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در بحث تدوین استانداردها کاربرد داشته باشد؛ چرا که قابلیت مقایسه یک ویژگی کیفی مهم اطلاعات مالی است. این ویژگی، هزینهٔ مقایسه صورت‌های مالی یک شرکت را با سایر شرکت‌ها کاهش داده و موجب افزایش شفافیت صورت‌های مالی می‌شود در ادامه، مبانی نظری، پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد و در پایان پیشنهاداتی ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و ادبیات موضوع

۲-۱- قابلیت مقایسه

قابلیت مقایسه یک ویژگی کلیدی در دستیابی به سودمندی تصمیم[4] برای اطلاعات مالی است. بر اساس بیانیه مفهومی شماره ۸ چارچوب مفهومی گزارشگری مالی[5] قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های ارتقاء دهندهٔ کیفیت گزارش‌های مالی به‌شمار آمده و به این‌صورت تعریف شده است: "ویژگی کیفی اطلاعات است که استفاده‌کنندگان را قادر به شناسایی و درک شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی می‌کند". از نظر هیئت‌های فوق‌الذکر، اگر

1 Relative or Comparative
2 Absolute or Independent
3 Sohn
4 Decision Usefulness
5 SFAC No.8

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

بتوان اطلاعات یک واحد تجاری را با اطلاعات واحدهای تجاری دیگر و اطلاعات مشابه همان واحد تجاری در مقاطع زمانی دیگر مقایسه کرد؛ این اطلاعات مفیدتر خواهند بود. همانند پروژۀ مشترک چارچوب نظری، در استانداردهای حسابداری ایران نیز بر قابلیت مقایسه به عنوان یک ویژگی کیفی سودمند تأکید شده است (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۲).

پژوهشگران حسابداری، صورت‌های مالی را ترسیم وقایع اقتصادی با استفاده از ارقام حسابداری می‌دانند (دیفرانکو و همکاران[1]، ۲۰۱۱). با این برداشت، زمانی دو شرکت صورت‌های قابل مقایسه‌ای خواهند داشت که نحوۀ این ترسیم یکسان باشد؛ به عبارت دیگر، اگر شرکت‌ها ارقام حسابداری یکسانی را برای وقایع اقتصادی یکسان و ارقام حسابداری متفاوتی را برای وقایع اقتصادی متفاوت گزارش کنند؛ شاهد صورت‌های مالی قابل مقایسه خواهیم بود. از طریق رعایت ویژگی‌های کیفی بنیادین اطلاعات مالی می‌توان تا حدّی به قابلیت مقایسه دست یافت. به عنوان مثال، زمانی که شرکت‌های مختلف برای انعکاس رویدادی یکسان، ویژگی ارائه صادقانه را رعایت کنند؛ درجه‌ای از قابلیت مقایسه به دست می‌آید. با این حال، یک رویداد اقتصادی می‌تواند به صورت صادقانه، اما به روش‌های مختلف ارائه گردد. مجاز دانستن روش‌های حسابداری متفاوت برای انعکاس یک رویداد اقتصادی یکسان، قابلیت مقایسه را کاهش می‌دهد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۲۰۱۰). به طور کلی، فقدان قابلیت مقایسه می‌تواند ناشی از اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری، نحوه به کارگیری این اصول توسط شرکت‌ها و ساختار معاملات باشد. شرکت‌ها می‌توانند ساختار معاملات خود را به نحوی تنظیم کنند که ویژگی‌هایی را نشان دهد که منجر به روش حسابداری موردنظر گردد. شرکت‌ها می‌توانند رویه‌های حسابداری متفاوتی که توسط استانداردهای حسابداری مجاز دانسته شده را انتخاب کنند یا دربارۀ برآورد اقلام تعهدی قضاوت کنند. چنین انتخاب‌هایی می‌تواند موجب پایین آمدن قابلیت مقایسه شود. طبیعتاً تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری سعی دارند استانداردها را به گونه‌ای تهیه کنند که منجر به افزایش قابلیت مقایسه شود. افزون بر آن، سایر ویژگی‌های کیفی مطرح شده در بیانیه مفهومی شماره ۸ نیز چنین هدفی دارند. با این حال، انتظار می‌رود که صورت‌های مالی شرکت‌ها تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای در میزان قابلیت مقایسه داشته باشند (کیم و همکاران[2]، ۲۰۱۳).

برای سنجش مفهوم قابلیت مقایسه، روش‌های مختلفی وجود دارد. در حال حاضر، روش متداول برای اندازه‌گیری این مفهوم، به‌کارگیری مدل دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) است. این مدل بر اساس رابطۀ سود و بازده سهام بنا شده است. بر این رویکرد که در آن، بازده سهام

1 De Franco et al
2 Kim et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

شاخصی برای انعکاس واقعیت‌های اقتصادی و سود حسابداری شاخصی برای انعکاس خروجی سیستم حسابداری است. با این حال، ایراداتی بر این مدل وارد است. کالوگیرو[1] (۲۰۱۳) اشاره به شرایطی دارد که در آن شاخص پیشنهادی دیفرانکو و همکاران نمی‌تواند به درستی قابلیت مقایسه را نشان دهد. وی بیان می‌کند در شرایطی که سیستم حسابداری اطلاعات را با تأخیر اعلام کند و زمانی که شرکت‌ها دارای هزینه سرمایهٔ متفاوتی باشند؛ شاخص مذکور قابلیت مقایسه کمتری را نشان می‌دهد. نیل[2] (۲۰۱۷) نیز بیان می‌کند که بازده می‌تواند منعکس کننده تفاوت‌های هزینه سرمایه باشد که الزاماً در سود منعکس نمی‌شود. مدل دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) صرفاً از معیارهای سودآوری استفاده می‌کند و بازده سهام تنها منعکس‌کنندهٔ منافع سهامداران است و سایر اعتباردهندگان را در نظر نمی‌گیرد. حال آن که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی برای کلیه استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری مطرح است. مشکل دیگر رویکرد دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) آن است که استفاده از بازده به عنوان شاخص انعکاس وقایع اقتصادی ممکن است تفکیک تشابهات اقتصادی را از قابلیت مقایسه دشوار سازد (کیم و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به ایرادات شاخص دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهش حاضر علاوه بر این شاخص، از دو شاخص دیگر نیز برای سنجش قابلیت مقایسه استفاده شده که در بخش متغیرهای پژوهش توضیح داده می‌شوند.

۲-۲-کیفیت حسابرسی و قابلیت مقایسه

با توجه به انتخاب‌های متعددی که تحت استانداردهای حسابداری مجاز شمرده شده است، حسابرسان نقشی اساسی در تفسیر و به کارگیری منسجم استانداردها برای تهیه اطلاعات مالی قابل مقایسه دارند (بال[3]، ۲۰۰۶). حسابرسان به‌طور مستقیم بر عملکرد سیستم حسابداری در انعکاس وقایع اقتصادی تأثیرگذار هستند. در نتیجه، شرکت‌هایی که از حسابرسی با کیفیت‌تری استفاده می‌کنند، برای وقایع اقتصادی یکسان باید اطلاعات حسابداری قابل مقایسه‌تری گزارش نمایند. در این پژوهش برای سنجش کیفیت حسابرسی، از دو معیار اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس استفاده شده است.

به صورت منطقی انتظار می‌رود که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، به دلیل در اختیار داشتن منابع بیشتر و شهرت بالاتر تأثیر مثبتی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و به تبع آن قابلیت مقایسه این اطلاعات داشته باشند. پژوهش‌های پیشین خارجی (مانند فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۴) نیز

1 Kalogirou
2 Neel
3 Ball

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

گویای این مطلب هستند. با این حال، پژوهش‌های پیشین داخلی (مانند رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۴و اخگر و خانقلی، ۱۳۹۵) حاکی از تأثیر منفی و معنادار اندازهٔ موسسه حسابرسی بر قابلیت مقایسه اطلاعات مالی هستند. یکی دیگر از شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، دوره تصدی حسابرس است. دوره تصدی بیانگر میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرس و توانایی نظارت آن است. هرچه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد، شناخت وی از صاحب‌کار و تخصص وی در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد (مایرز و همکاران[1]، ۲۰۰۳).

۲-۳- مدیریت سود و قابلیت مقایسه

مدیریت سود در حسابداری، شامل تغییر گزارش‌های مالی جهت گمراه ساختن سهامداران درباره عملکرد اساسی سازمان یا تحت تأثیر قرار دادن پیامدهای قراردادی است که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده است (هیلی[2]، ۱۹۹۹). پیش‌تر اشاره شد که عملکرد سیستم حسابداری انعکاس وقایع اقتصادی است. این عملکرد حسابداری که در قالب سود حسابداری گزارش می‌شود، محصول مستقیم سطح مدیریت سودی است که شرکت درگیر آن است؛ بنابراین، در یک شرکت، سطح بالای مدیریت سود باعث تضعیف رابطه بین وقایع اقتصادی و ارقام گزارش‌شده در صورت‌های مالی می‌شود و این امر موجب کاهش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین شرکت‌های مختلف خواهد شد. در صورتی که سایر شرکت‌ها نیز درگیر مدیریت سود باشند، کاهش قابلیت مقایسه تشدید خواهد شد (راس و همکاران[3]، ۲۰۱۶).

۲-۴- اندازه شرکت و قابلیت مقایسه

یکی از ویژگی‌های شرکت که تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده، اندازه شرکت است. بسیاری از پژوهش‌های پیشین حاکی از تأثیر مثبت اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی است (مانند سجادی و همکاران، ۱۳۸۸؛ اخگر و کرمی، ۱۳۹۳). از جمله استدلال‌هایی که برای توجیه این رابطه ذکر شده می‌توان به برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، دسترسی به مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه اعتبار و شهرت را اشاره کرد (اخگر و کرمی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل دسترسی به منابع مالی بیشتر، از سیستم‌های حسابداری قوی‌تری بهره می‌برند. در نتیجه، می‌توان چنین استنباط کرد که در شرکت‌های بزرگ‌تر، به دلیل عملکرد بهتر سیستم حسابداری در انعکاس وقایع اقتصادی (در

1 Myers
2 Healy
3 Ross et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

قالب صورت‌های مالی) نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر، قابلیت مقایسه بالاتر است (راس و همکاران، ۲۰۱۶).

۲-۵- نوسانات بازده دارایی‌ها و قابلیت مقایسه

یکی دیگر از ویژگی‌های شرکت‌ها که تأثیر آن بر سایر متغیرهای حسابداری مورد توجه پژوهشگران بوده است، نوسانات سود است. نوسانات زیاد سود شرکت‌ها و در نتیجه نوسانات نرخ بازده دارایی‌ها، در سال‌های اخیر تمامی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را با شرایط ابهام مواجه ساخته است (مرادی و میرزایی، ۱۳۹۳). بسیاری از شرکت‌ها در صنایعی فعالیت می‌کنند که در طول سال شاهد نوسانات بیشتری در فروش و هزینه‌ها هستند. از دید استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، هر چه نوسانات بازده دارایی‌ها طی سال‌های مختلف بالاتر باشد، آنان ریسک بیشتری را متحمل شده و در نتیجه بازده بالاتری را از شرکت توقع دارند و این موضوع موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت خواهد شد. در نتیجه، برای جلوگیری از این مسئله ممکن است مدیران دست به مدیریت سود زده و با دست‌کاری گزارش‌های مالی مانع از انعکاس سود پر نوسان شوند. این امر موجب خواهد شد که صورت‌های مالی به‌طور کامل وضعیت اقتصادی را منعکس نکرده و در نتیجه می‌تواند منجر به کاهش سطح قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شود (راس و همکاران، ۲۰۱۶).

۳- پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌ها در خصوص قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را می‌توان در سه ردهٔ کلی طبقه‌بندی کرد: ۱) تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بر روی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ۲) عوامل تأثیرگذار بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ۳) پیامدهای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. مطالعات معدود انجام شده در ایران بیشتر بر ردهٔ سوم، یعنی پیامدهای قابلیت مقایسه تمرکز کرده‌اند. از آنجا که تمرکز پژوهش حاضر بر شناسایی عوامل تأثیرگذار بر قابلیت مقایسه است؛ در این بخش سعی شده تا پیشینه‌های مرتبط با این موضوع، ارائه گردد.

در پژوهش‌های خارجی، راس و همکاران (۲۰۱۶) عوامل تعیین‌کننده قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را در سطح کشوری و سطح شرکتی بررسی کرده‌اند. آنان با بررسی ۱۶ کشور اتحادیه اروپا و همچنین کشور آمریکا، در سطح کشوری، شش متغیر و در سطح شرکتی، سه متغیر را به عنوان عوامل تعیین‌کننده قابلیت مقایسه شناسایی کرده و نتیجه‌گیری کردند که در سطح شرکتی متغیر اندازه شرکت با قابلیت مقایسه رابطه مستقیم و متغیرهای مدیریت سود و

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

نوسانات بازده دارایی‌ها با قابلیت مقایسه رابطه معکوس دارند. هولتاسن[1] (۲۰۰۸) بیان می‌کند که عوامل متعددی بر کیفیت گزارشگری مالی (و به تبع آن قابلیت مقایسه صورت‌های مالی) تأثیرگذار بوده و استانداردهای حسابداری تنها یکی از این عوامل هستند. در واقع تأثیر استانداردهای حسابداری در تعیین خروجی فرآیند گزارشگری مالی کمتر از متغیرهایی مانند کیفیت حسابرسی، انگیزه مدیران، ساختار مدیریت و سایر ویژگی‌های سازمانی است. سان (۲۰۱۶) رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود را در کشور آمریکا بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با کاهش مدیریت سود حسابداری و افزایش مدیریت سود واقعی رابطه دارد. فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) رابطه سبک حسابرسی و قابلیت مقایسه حسابداری را بررسی کردند. به طور خاص آنان بررسی کردند که آیا شرکت‌هایی که توسط حسابرسان ثابت حسابرسی شده‌اند صورت‌های مالی قابل مقایسه‌تری را نسبت به شرکت‌هایی که توسط حسابرسان مختلف حسابرسی شده‌اند دارند یا خیر. نتایج پژوهش آنان نشان داد که سبک حسابرسی نقش معنی‌داری را در تبیین قابلیت مقایسه ایفا می‌کند. کاوادا[2] (۲۰۱۴) رابطه بین قابلیت مقایسه و کیفیت سود را بررسی کرد. وی کیفیت سود را با استفاده از اقلام تعهدی غیرعادی و با بهره‌گیری از مدل جونز اندازه‌گیری نمود. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد شرکت‌هایی که قابلیت مقایسه پایین‌تری دارند؛ دارای اقلام تعهدی بیشتر و در نتیجه، کیفیت سود پایین‌تری هستند. نتایج پژوهش ژانگ[3] (۲۰۱۲) نشان داد که قابلیت مقایسه با کیفیت حسابرسی رابطه مستقیم و با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معکوس دارد.

در پژوهش‌های داخلی، نبات دوست باغمیشه و محمدزاده (۱۳۹۵) تأثیر کیفیت حسابرسی را بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران بررسی کردند. آنان دریافتند که بین کیفیت حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آنان همچنین نشان داد که از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیر وابسته پژوهش است. نتایج مذکور با یافته‌های ژانگ (۲۰۱۲) سازگار است. اخگر و خانگلی (۱۳۹۵) دریافتند که صاحبکاران مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی نسبت به صاحبکاران سازمان حسابرسی، قابلیت مقایسه بیشتری در ساختار سود عملیاتی، سود خالص و اقلام تعهدی دارند. رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که سبک

1 Holthausen
2 Kawada
3 Zhang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

حسابرس بر میزان قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی مؤثر است و برای دستیابی به قابلیت مقایسه، علاوه بر نیاز به وجود استانداردهای حسابداری یکنواخت، حسابرسان نیز دارای نقش بااهمیتی هستند. نتایج پژوهش آنان با یافته‌های فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) مشابهت دارد. محمدی خشوئی و همکاران (۱۳۹۴) دریافتند که بین سبک حسابرس و ویژگی‌های مربوط بودن و قابلیت مقایسه رابطه معناداری وجود دارد. آنان نشان دادند که حسابرس می‌تواند بر مربوط بودن و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری مؤثر باشد. کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶)، در پژوهشی مشابه با سان (۲۰۱۶)، با بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی یافتند که بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود تعهدی یک رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین، متغیرهای کیفیت حسابرسی، مدیریت سود، اندازهٔ شرکت و نوسانات بازده دارایی‌ها به عنوان عواملی که پیش‌بینی می‌شود بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی اثر داشته باشند؛ گزینش شده و تأثیر آن‌ها بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بررسی شده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مستندات ارائه شده در بخش مبانی نظری و جهت نیل به اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اوّل: اندازهٔ موسسه حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی دارد.

فرضیه دوم: دورهٔ تصدی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی دارد.

فرضیه سوم: مدیریت سود تأثیر منفی و معناداری بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی دارد.

فرضیه چهارم: اندازهٔ شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی دارد.

فرضیه پنجم: نوسانات بازده دارایی‌ها تأثیر منفی و معناداری بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

۵-۱- طرح و رویکرد پژوهش

این پژوهش به لحاظ نتایج از نوع کاربردی و از نظر بُعد زمانی، گذشته‌نگر (پس‌رویدادی) است. برای محاسبه معیارهای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (مدل‌های ۱ تا ۸) از تحلیل رگرسیون سری زمانی و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش (مدل ۹)، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

با داده‌های ترکیبی[1] و کنترل اثرات سال و صنعت استفاده شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، نسخه ۱۴ نرم‌افزار Stata و نسخه ۹ نرم‌افزار EViews مورد استفاده قرار گرفته است.

۵-۲- جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل تمام شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۱ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ است که حائز شرایط زیر باشند:

۱. پایان سال مالی شرکت‌ها، ۲۹ اسفند هر سال باشد.
۲. در صنایع سرمایه‌گذاری مالی و بانک‌ها و بیمه‌ها فعّال نباشند.
۳. در طول دورهٔ زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
۴. داده‌های آن‌ها جهت محاسبهٔ متغیرهای پژوهش، به‌طور کامل در دسترس باشد.

از آنجا که متغیر قابلیت مقایسه، در بین شرکت‌های هر صنعت و جدا از سایر صنایع، تعریف و محاسبه می‌شود؛ پس از اِعمال شرایط یاد شده، صنایعی انتخاب شدند که حداقل پنج شرکت در آن‌ها فعّال باشد. در نهایت ۱۲۰ شرکت فعّال در ۱۲ صنعت برای بررسی انتخاب شدند.

۵-۳- متغیرهای پژوهش و نحوهٔ سنجش آن‌ها

۵-۳-۱- متغیر وابسته (قابلیت مقایسه)

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه حسابداری از سه شاخص استفاده شده است. با این‌که این شاخص‌ها از لحاظ ورودی و خروجی متفاوت هستند، ولی همه آن‌ها از منطقی مشابه پیروی می‌کنند. طبق منطق چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، دو شرکت i و j زمانی سیستم حسابداری قابل مقایسه‌ای دارند که مبالغ حسابداری مشابهی را برای وقایع اقتصادی مشابه و مبالغ حسابداری متفاوتی را برای وقایع اقتصادی متفاوت، گزارش کنند.

معیار نخست (Comp1)

به عنوان شاخص اول، مدل دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) که از رگرسیون سود ـ بازده برای برآورد ارتباط بین وقایع اقتصادی و خروجی سیستم حسابداری استفاده می‌کند، به‌کار رفته است. دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) از مدل بال و همکاران[2] (۲۰۰۰) استفاده و بیان می‌کنند که بازده سهام منعکس کننده وقایع اقتصادی و در واقع خلاصه‌ای از تغییر در ارزش سهام است و

1 Panel Data
2 Ball et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منعکس‌کنندهٔ تصمیمات سرمایه‌گذاران در خصوص تخصیص سرمایه است. برای محاسبهٔ معیار نخست، ابتدا مدل زیر در سطح شرکت و به‌صورت سری زمانی برآورد می‌شود.

$$Earnings_{it} = \alpha_i + \beta_i Return_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

که در آن، Earnings سود عملیاتی است که با ارزش بازار سهام ابتدای دوره، همگن می‌شود و Return بازده سالانهٔ سهام است. افزون بر آن، i نماد شرکت و t نماد سال است. در مدل (۱) ضرایب α_i و β_i نشان می‌دهند که چگونه وقایع اقتصادی در سود حسابداری شرکت i منعکس می‌شوند. با فرض یکسان بودن وقایع اقتصادی (بازده)، برای سنجش میزان تشابه در عملکرد سیستم‌های حسابداری دو شرکت i و j در انعکاس رویدادهای اقتصادی، سود پیش‌بینی شدهٔ هر شرکت، یک بار با استفاده از ضرایب برآوردشدهٔ همان شرکت و بار دیگر با استفاده از ضرایب برآوردشدهٔ سایر شرکت‌های آن صنعت به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$E(Earnings_{iit}) = \alpha_i + \beta_i Return_{it} \quad (۲)$$

$$E(Earnings_{ijt}) = \alpha_j + \beta_j Return_{it} \quad (۳)$$

که در آن‌ها، $E(Earning)_{iit}$ سود مورد انتظار شرکت i با استفاده از تابع و بازده شرکت i در زمان t و $E(Earning)_{ijt}$ سود مورد انتظار شرکت j با استفاده از تابع شرکت j و بازده شرکت i در زمان t است. قابلیت مقایسهٔ حسابداری بین شرکت i و شرکت j ($Comp_{ij}$) به صورت منفی میانگین قدر مطلق تفاضل بین سودهای برآورد شده با استفاده از توابع حسابداری شرکت i و شرکت j محاسبه می‌شود. شرکت i و شرکت j باید در یک گروه صنعتی یکسان باشند.

$$Comp_{ijt} = -\frac{1}{11} \times \sum_{1-10}^{t} \left| E(Earnings_{ijt}) - E(Earnings_{iit}) \right| \quad (۴)$$

مقادیر بزرگ‌تر این شاخص بیانگر قابلیت مقایسهٔ بالاتر بین شرکت i و شرکت j است. در نهایت، با میانگین‌گیری از تمامی ترکیب‌های $Comp_{ij}$، یک شاخص قابلیت مقایسهٔ حسابداری در سطح هر شرکت محاسبه گردیده و به عنوان شاخص اوّل قابلیت مقایسه، Comp1 نامیده شده است.

معیار دوم (Comp2)

در معیار دوم قابلیت مقایسه، از جریان‌های نقدی عملیاتی به عنوان معیار وقایع اقتصادی و از اقلام تعهدی به عنوان معیار ارقام حسابداری استفاده شده است. این شاخص که در واقع نسخهٔ

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

تعدیل‌شدهٔ شاخص دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) است؛ توسط کاسکینو و گاسن[1] (۲۰۱۵) ارائه شده است. بر این اساس، مدل زیر برای هر شرکت و به صورت سری زمانی برآورد می‌شود:

$$ACC_{it} = \alpha_i + \beta_i CF_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۵)$$

که در آن، ACC_{it} اقلام تعهدی و CF_{it} جریان نقدی عملیاتی است. هر دو متغیر با ارزش بازار سهام ابتدای دوره، همگن شده‌اند. با به‌کارگیری مدل (۵) و فرآیندی مشابه فرآیند محاسبهٔ شاخص اول، شاخص دوم قابلیت مقایسه (Comp2) محاسبه شده است.

معیار سوم (Comp3)

به عنوان معیار سوم، در این پژوهش مدل جدیدی پیشنهاد شده که در آن برای انعکاس وقایع اقتصادی، به جای بازده سهام، از متغیر هزینه سرمایه استفاده می‌شود تا وقایع اقتصادی را هم از دید سهامداران وهم از دید اعتباردهندگان منعکس نماید:

$$Earnings_{it} = \alpha_i + \beta_1 Ke_{it} + \beta_2 Kd_{it} + \beta_3 Ke_{it-1} + \beta_4 Kd_{it-1} + \varepsilon_{it} \qquad (۶)$$

که در آن K_d هزینهٔ تأمین مالی از طریق بدهی‌ها (نسبت هزینه‌های مالی به بدهی‌ها) و K_e هزینهٔ تأمین مالی از طریق سهام عادی و سایر ذخایر (هزینه سرمایهٔ سهام عادی) است. ادامه فرآیند محاسبهٔ این شاخص نیز مشابه فرآیند ارائه‌شده برای شاخص اوّل است.

در این پژوهش به این دلیل از معیارهای مختلف قابلیت مقایسه استفاده شده که هر معیار مزایا و معایب خود را دارد. اول، در معیار Comp1 از بازده سهام که یک شاخص خلاصه برای اندازه‌گیری تغییرات ارزش سهام بوده و منعکس کننده وقایع اقتصادی مربوط به شرکت است استفاده می‌شود. این شاخص به صورت متداول در پژوهش‌های حسابداری استفاده می‌شود، با این حال، بازده می‌تواند منعکس کننده تفاوت‌های هزینه سرمایه باشد که الزاماً در سود منعکس نمی‌شود (نیل، ۲۰۱۷؛ کالوگیرو، ۲۰۱۳). در نتیجه ممکن است که معیار Comp1 درآمیخته شباهت‌ها و تفاوت‌هایی فراتر از حسابداری شرکت‌ها شود. دوم، معیار Comp2 از جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی همزمان استفاده می‌کند. حسابداری تعهدی بنیان گزارشگری مالی بوده و رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی به طور وسیع به عنوان شاخص خلاصه برای مقایسه گزارشگری مالی شرکت‌ها استفاده می‌شود. ینگ و همکاران[2] (۲۰۱۶) ادعا می‌کند که این شاخص برای کشورهایی که بازار سرمایه آن‌ها در شکل ضعیف کارا است بهتر می‌تواند قابلیت مقایسه را اندازه‌گیری کند. با این حال، رابطه جریان نقدی-اقلام تعهدی رابطه‌ای پیچیده بوده و به طور

1 Cascino & Gassen
2 Yang et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

همزمان منعکس کننده نقش‌های متفاوتی از اقلام تعهدی است. در نتیجه، احتمال دارد که معادله (۵) که متکی بر داده‌های سالانه است، بیش از حد ساده شده باشد. سوم، معیار Comp3 با استفاده از هزینه سرمایه به عنوان معیار انعکاس وقایع اقتصادی در مدل دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، سعی در برطرف کردن اشکال معیار اول را دارد.

۵-۳-۲- متغیرهای مستقل

کیفیت حسابرسی: در این پژوهش برای تعیین کیفیت حسابرسی، به پیروی از نمازی و همکاران (۱۳۹۰) از دو متغیر اندازه حسابرسی[1] و دوره تصدی حسابرس[2] استفاده می‌شود. دورهٔ تصدی حسابرس برابر لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که حسابرس، مسئولیت حسابرسی مالی صاحب‌کار را بر عهده دارد. به عنوان معیاری برای اندازه موسسه، سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا (با کد ۱) و در مقابل، سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی که اندازه آن‌ها نسبت به سازمان حسابرسی کوچک‌تر است؛ به عنوان مؤسسات دارای اعتبار و شهرت پایین (با کد صفر) در نظر گرفته‌شده است.

مدیریت سود (EM): معادل اقلام تعهدی اختیاری مستخرج از مدل جونز تعدیل‌شده است (کوتاری و همکاران[3]، ۲۰۰۵):

$$\frac{\mathrm{TAC}_{it}}{\mathrm{A}_{it-1}} = \beta 1\left[\frac{1}{A_{it-1}}\right] + \beta 2\left[\frac{\Delta \mathrm{Sales}_{it}}{A_{it-1}}\right] + \beta 3\left[\frac{\mathrm{PPE}_{it}}{A_{it-1}}\right] + ROA_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۷)$$

که در آن برای شرکت i و در سال t (یا t-1)، TAC بیانگر جمع اقلام تعهدی؛ A بیانگر مجموع دارایی‌ها؛ $\Delta Sales$ بیانگر تغییرات خالص فروش؛ PPE بیانگر ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ و ε بیانگر خطای مدل است. به تبعیت از کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) بازده دارایی‌ها (ROA) به منظور برآورد اقلام تعهدی اختیاری که نسبت به عملکرد تعدیل شده‌اند در مدل گنجانده شده است. جمع اقلام تعهدی (TAC) به صورت سود قبل از اقلام غیرعادی منهای جریان نقد عملیاتی محاسبه شده که به صورت مستقیم از صورت گردش وجوه نقد استخراج شده است. سپس با استفاده از تمامی مشاهدات سال- شرکت در یک صنعت معادله ۱۶ به صورت مقطعی برای هر سال برآورد می‌شود. با استفاده از پارامترهای برآورد شده معادله ۱۶، مجموع اقلام تعهدی غیر اختیاری که با $NDAC$ نشان داده می‌شود، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

1 AudSize
2 AudTenure
3 Kothari et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

$$NDAC_{it} = \widehat{\beta_1}\left[\frac{1}{A_{it-1}}\right] + \widehat{\beta_2}\left[\frac{\Delta \text{Sales}_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}}\right] + \widehat{\beta_3}\left[\frac{\text{PPE}_{it}}{A_{it-1}}\right] + \widehat{\beta_4} ROA_{it} \quad (۸)$$

که در آن ΔREC_{it} تغییرات خالص حساب‌های دریافتنی بوده و تعریف سایر متغیرها مانند معادله قبلی است. در نهایت اقلام تعهدی اختیاری (DAC) که معیار اصلی اندازه‌گیری شدت مدیریت سود حسابداری است، از تفاوت کل اقلام تعهدی با اقلام تعهدی عادی (تقسیم شده بر مجموع دارایی‌های دوره پیش) محاسبه خواهد شد.

اندازه شرکت (Size): معادل لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت است.

نوسان بازده دارایی‌ها (RVol): معادل انحراف معیار بازده دارایی‌ها در سه سال اخیر است.

۵-۳-۳- متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، متغیرهای کنترلی با بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین مانند دچو و همکاران، (۲۰۱۰)، ژانگ، (۲۰۱۲)، سان (۲۰۱۶) و ونگ و همکاران (۲۰۱۶) به شرح زیر انتخاب شده‌اند:

هزینه سرمایه سهام عادی (K_e): هزینه تأمین مالی از طریق سهام عادی و سود انباشته و اندوخته‌ها است و با استفاده از مدل رشد گوردون محاسبه شده است. به منظور اندازه‌گیری نرخ رشد مورد انتظار از میانگین هندسی رشد فروش ۱۰ ساله استفاده شده است؛ زیرا رشد فروش در مقایسه با رشد سود پایدارتر و قابل پیش‌بینی‌تر است. این امر ناشی از تأثیرپذیری اندک فروش از رویه‌های حسابداری در مقایسه با سود است (دامودارن ، ۲۰۰۲). همچنین از آنجا که شرکت‌های ایرانی از سیاست تقسیم سود معینی پیروی نمی‌کنند، به همین دلیل نرخ رشد سود تقسیمی برای استفاده در مدل گوردون قابل‌اتکا به نظر نمی‌رسد (ثقفی و بولو، ۱۳۸۸).

نسبت بدهی (Debt): معادل نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها تعریف می‌شود.

ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (BM): این متغیر شاخصی برای سنجش فرصت‌های رشد شرکت و معادل لگاریتم طبیعی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام در پایان سال مالی است.

زیان (Loss): متغیری مجازی است و در صورت منفی بودن رقم سود خالص، معادل ۱ و در غیر این‌صورت معادل صفر تعریف می‌شود.

نسبت جریان نقدی عملیاتی (CFO): معادل نسبت وجوه نقد عملیاتی بر کل دارایی‌های ابتدای دوره است.

رشد فروش (Growth): معادل درصد افزایش یا کاهش در فروش ناخالص شرکت نسبت به سال قبل است.

بازده دارایی‌ها (ROA): معادل نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۵-۴- مدل آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و یافتن متغیرهایی که تاثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند، از مدل (۹) استفاده شده است. همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد برای اندازه‌گیری متغیر وابسته قابلیت مقایسه از سه معیار مختلف استفاده می‌شود. مبانی نظری مربوط به ارتباط هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پیش از این ارائه شد.

$$\begin{aligned} Y_{it} = {} & \beta_0 + \beta_1 AudSize_{it} + \beta_1 AudTenure_{it} + \beta_2 EM_{it} + \beta_4 Size_{it} \\ & + \beta_5 RVol_{it} + \beta_6 Ke_{it} + \beta_7 Debt_{it} + \beta_8 BM_{it} \\ & + \beta_9 CFO_{it} + \beta_{10} Growth_{it} + \beta_{11} Loss_{it} + \beta_{12} ROA_{it} \\ & + \sum_k \gamma_k Ind_{itk} + \sum_l \theta_l Year_{itk} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \qquad (۹)$$

که در آن، Y معیار قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی است که می‌تواند Comp1، Comp2، یا Comp3 باشد. نمادهای $\sum_l \theta_l Year_{itk}$ و $\sum_k \gamma_k Ind_{itk}$ متغیرهای موهومی جهت کنترل اثرات سال‌ها و صنایع است و سایر متغیرها نیز پیش از این تعریف شده‌اند.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آماره‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌ها را ارائه می‌کنند، در جدول (۱) ارائه شده‌اند. آماره‌های توصیفی نشان می‌دهند که میانگین نمره قابلیت مقایسه شاخص‌های اول، دوم و سوم به ترتیب ۰/۲۳۰-، ۰/۴۳۹- و ۱/۲۴۹- است. نتایج نشان می‌دهد که حسابرسی ۲۹ درصد شرکت‌های مورد بررسی، توسط سازمان حسابرسی انجام شده است.

میانگین لگاریتم دوره تصدی حسابرس ۱/۳۹۲ است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که میانگین اندازهٔ شرکت و نوسانات بازده دارایی‌ها به ترتیب ۱۳/۵۴۶ و ۲/۸ درصد است و به‌طور میانگین، ۶۲درصد از سرمایهٔ شرکت‌های مورد بررسی، از طریق بدهی‌ها تأمین شده است. افزون بر آن، میانگین جریان وجوه نقد عملیاتی معادل ۶ درصد دارایی‌ها، میانگین رشد فروش حدود ۱۵ درصد و میانگین بازده دارایی‌ها حدود ۱۱ درصد است. سایر مقادیر آماره‌های توصیفی نیز در ستون‌های دیگر جدول (۱) ارائه شده‌اند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول (۱): آماره‌های توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
Comp1	-۰/۲۳۰	-۰/۱۲۷	-۰/۰۰۸	-۱/٦۹٦	۰/۲۷٤
Comp2	-۰/٤۳۹	-۰/۳۷۲	-۰/۰۱۲	-۲/۳۰۸	۰/۳۲۰
Comp3	-۱/۲٤۹	-۱/۱۷۳	-۰/۰۷۹	-٤/٥۲٥	۰/۷۷٥
AudSize	۰/۲۸٥	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/٤٥۲
AudTenure	۱/۳۹۲	۱/۳۸٦	۲/۸۹۰	۰/۰۰۰	۰/۸٦۱
EM	-۰/۰۰٤	-۰/۰۱٥	۰/۲٦۰	-۰/۲۲۸	۰/۰۹۱
Size	۱۳/٥٤٦	۱۳/٥٤۰	۱٦/۲۳۰	۱۱/۰۳٥	۰/۹۹۱
RVol	۰/۰۲۸	۰/۰۱۸	۰/۱٥٦	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷
Ke	۰/۲۷۱	۰/۲۷۲	۰/٤۳۸	۰/۰۹۹	۰/۰۸۰
Debt	۰/٦۲٥	۰/٦۳۳	۰/۹۱٥	۰/۳۲۷	۰/۱۳۰
BM	-۰/٤۳۲	-۰/٤٦٤	۰/٦٥٤	-۱/٦۳۳	۰/٥٤۲
CFO	۰/۰٦۰	۰/۰٥۳	۰/۲۸٤	-۰/۱٥۱	۰/۰۸۸
Growth	۰/۱٥۳	۰/۱٤٦	۰/۷۳۱	-۰/۳۲۸	۰/۲۰۲
Loss	۰/۰۲٥	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱٥۸
ROA	۰/۱۰۷	۰/۰۹۹	۰/۳۲۰	-۰/۰٦۱	۰/۰۷٤

روند تغییرات میانگین شاخص‌های مختلف قابلیت مقایسه برای شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ در نمودار (۱) نمایش یافته است. نمودار (۱) نشان می‌دهد که دو شاخص اوّل و دوم در برخی سال‌ها هم‌جهت و در برخی سال‌ها خلاف جهت هم تغییر داشته‌اند. افزون بر آن، شاخص سوم بیانگر کاهش میزان قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی در گذر زمان از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ است.

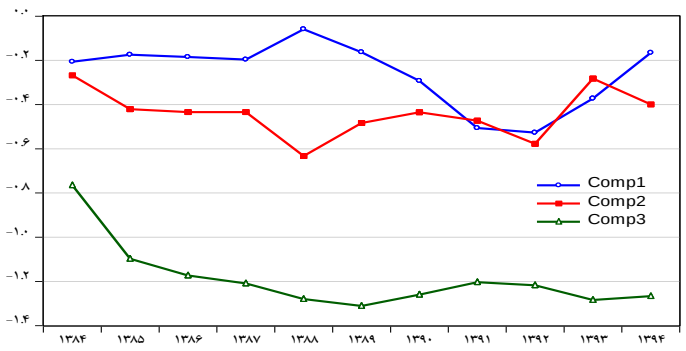

نمودار (۱): روند تغییرات میانگین شاخص‌های سنجش قابلیت مقایسه

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۶-۲- نتایج تحلیل رگرسیون

به منظور آزمون هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از مدل (۹) با متغیرهای وابستهٔ متفاوت استفاده شده است. نتایج برآورد این مدل با استفاده از معیار Comp1 به عنوان متغیر وابسته در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲). نتایج برآورد مدل (۹) با استفاده از معیار اوّل قابلیت مقایسه (Comp1)

متغیرها	ضریب	تی استیودنت	معناداری	تورم واریانس
عرض از مبدا	-۰/۲۹۷***	-۲/۸۲۲	۰/۰۰۵	---
AudSize	-۰/۰۵۲***	-٤/۰٦۹	۰/۰۰۰	۱/۵۷۱
AudTenure	۰/۰۱۵***	۲/۸۲۷	۰/۰۰۵	۱/٤۹۰
EM	۰/۳۰۵	۱/۱۳۳	۰/۲۵۹	٦/۰٦۳
Size	۰/۰۰٦	۰/۷۱۱	۰/٤۷۸	۱/۱۷۷
RVol	-۱/۱۱۵***	-٤/۱٤۹	۰/۰۰۰	۱/۰۸۳
Ke	۰/۰۵۲	۰/٤۹۵	۰/٦۲۱	۱/۱۹۰
Debt	۰/۱۷۰***	۲/۵۹۲	۰/۰۱۰	۲/۰٦۰
BM	۰/۰۹۰***	۷/۳۷۷	۰/۰۰۰	۱/٤۸۳
CFO	۰/۵۷۰*	۱/۸۰۵	۰/۰۷۳	۱/۲۲۹
Growth	-۰/۰۷٦**	-۲/۵۷۲	۰/۰۱۱	۱/۲٤٦
Loss	۰/۱۲٦***	۳/۱۷۷	۰/۰۰۲	۱/۱٤۹
ROA	۰/۰۱٤	۰/۰٦۲	۰/۹۵۱	۲/۱٦۵
اثرات صنعت	کنترل شد			
اثرات سال	کنترل شد			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۵۱/٤٤ درصد	آماره فیشر (معناداری)	۳۰/۵۰۳*** (۰/۰۰)	
دوربین-واتسون	۲/۱٤۱	نسبت راستنمایی (معناداری)	۱٤۷/۲۰۳ (۰/۰۰۰)	

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱درصد، ۵درصد و ۱۰درصد

نتایج نشان می‌دهد عرض از مبدا (۰/۲۹۷-) و ضریب متغیرهای اندازهٔ موسسه حسابرسی (۰/۰۵۲-)، دوره تصدی حسابرس (۰/۰۱۵) و نوسان بازده (۱/۱۱۵-) در سطح یک درصد معنادار است. از متغیرهای کنترلی، ضریب نسبت بدهی‌ها (۰/۱۷۰)، لگاریتم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (۰/۰۹۰) و متغیر موهومی زیان‌ده بودن شرکت (۰/۱۲۶) در سطح یک درصد، ضریب متغیر رشد فروش‌ها (۰/۰۷۶-) در سطح پنج درصد و ضریب نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی (۰/۵۷۰) در سطح ده درصد معنادار است. مقدار آمارهٔ تورم واریانس بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. معناداری آماره فیشر (۳۰/۵۰۲) در سطح یک درصد حاکی از معناداری کلی مدل است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

مقدار آمارهٔ دوربین ـ واتسون (۲/۱۴۱) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. معناداری آمارهٔ نسبت راستنمایی[1] (۱۴۷/۲۰۳) نشان می‌دهد که باقیمانده‌های مدل، مشکل ناهمسانی واریانس[2] دارند و جهت رفع این موضوع، مدل با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته[3]، برآورد شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۵۱ درصد از تغییرات قابلیت مقایسه را تبیین می‌نمایند. نتایج نشان می‌دهد که با استفاده از شاخص اول قابلیت مقایسه، ضریب متغیرهای اندازهٔ موسسه حسابرسی و دورهٔ تصدی حسابرس به ترتیب منفی و مثبت و ضریب نوسانات بازده دارایی‌ها، منفی و معنادار است؛ بنابراین، فرضیه‌های اوّل، دوم و پنجم پژوهش رد نمی‌شوند.

نتایج برآورد مدل (۹) با متغیر وابستهٔ Comp2 در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که عرض از مبدا (۰/۶۵۶-) و ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۵۲۷-) در سطح یک درصد و ضریب متغیر اندازهٔ شرکت (۰/۰۱۳) در سطح پنج درصد معنادار است. از بین متغیرهای کنترلی، ضریب متغیرهای نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی (۰/۶۳۱-) و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (۰/۰۴۷-) در سطح یک درصد معنادار؛ ضریب متغیرهای هزینه سرمایهٔ سهام عادی (۰/۱۶۵) و بازده دارایی‌ها (۰/۳۵۵) در سطح پنج درصد و ضریب متغیرهای رشد فروش (۰/۰۵۰-) و زیان‌ده بودن شرکت (۰/۰۸۸-) در سطح ده درصد معنادارند. مقدار آمارهٔ تورم واریانس بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. معنادار بودن آماره فیشر (۴۶/۵۹۲) در سطح یک درصد بیانگر معناداری کلی مدل است. مقدار آماره دوربین ـ واتسون (۱/۷۷۲) مبیّن عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است.

با این حال، معناداری آمارهٔ نسبت راستنمایی (۶۴/۳۷۴) نشان می‌دهد که باقیمانده‌های مدل، ناهمسانی واریانس دارند و برای رفع این مشکل، مدل با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته، برآورد شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۷۴ درصد از تغییرات قابلیت مقایسه را تبیین می‌نمایند. نتایج نشان می‌دهد که با استفاده از معیار دوم قابلیت مقایسه، ضریب متغیر مدیریت سود، منفی و ضریب اندازهٔ شرکت، مثبت و معنادار است؛ بنابراین، فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش رد نمی‌شوند.

1 Likelihood Ratio
2 Heteroskedasticity
3 Generalized Least Squares (GLS)

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول (۳). نتایج برآورد مدل (۹) با استفاده از معیار دوم قابلیت مقایسه (Comp2)

متغیرها	ضریب	تی استیودنت	معناداری	تورم واریانس
عرض از مبدا	-۰/٦٥٦***	-۷/۱٥٦	۰/۰۰۰	---
AudSize	-۰/۰۰۷	-۰/٦۱٦	۰/٥۳۸	۱/٥٤۲
AudTenure	-۰/۰۰٦	-۰/۹۳٦	۰/۳٥۰	۱/٤۳۳
EM	-۰/٥۲۷***	-۳/٤۸۲	۰/۰۰۱	۱/۹۰٥
Size	۰/۰۱۳**	۲/۱٦۷	۰/۰۳۱	۱/۱۲۱
RVol	۰/۱٥۷	۰/۸٤٥	۰/۳۹۸	۱/۱۳۷
Ke	۰/۱٦٥**	۲/٤۳۳	۰/۰۱٥	۱/۱٦۳
Debt	-۰/۰٦۹	-۱/۱۷۹	۰/۲۳۹	۲/۰٤٥
BM	-۰/۰٤۷***	-۳/٦٥۱	۰/۰۰۰	۱/٤۳۳
CFO	-۰/٦۳۱***	-۳/٦۹۰	۰/۰۰۰	۱/۲۲۹
Growth	-۰/۰٥۰*	-۱/۸۰۱	۰/۰۷۲	۱/۱۳۸
Loss	-۰/۰۸۸*	-۱/۷۱٥	۰/۰۸۷	۱/۱٥۷
ROA	۰/۳٥٥**	۲/٥۰۸	۰/۰۱۲	۲/۲۱۷
اثرات صنعت	کنترل شد			
اثرات سال	کنترل شد			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۷٤/۲٤ درصد	آماره فیشر (معناداری)		٤٦/٥۹۳*** (۰/۰۰)
دوربین-واتسون	۱/۷۷۲	نسبت راستنمایی (معناداری)		٦٤/۳۷٤ (۰/۰۰۰)

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱درصد، ۵درصد و ۱۰درصد

نتایج برآورد مدل (۹) با متغیر وابستهٔ Comp3 در جدول (۴) گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که عرض از مبدا (۱/۵۵۳-) و ضریب متغیرهای اندازهٔ موسسه حسابرسی (۰/۰۴۰-)، دورهٔ تصدی حسابرس (۰/۰۵۶) و نوسان بازده دارایی‌ها (۱/۵۱۱-) در سطح یک درصد و ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۶۳۰-) در سطح پنج درصد معنادار است. از متغیرهای کنترلی، ضریب متغیر هزینه سرمایهٔ سهام عادی (۰/۵۷۲) و نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی (۰/۸۸۱-) در سطح یک درصد و ضریب متغیر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (۰/۰۶۸-) در سطح پنج درصد معنادار است. مقدار آمارهٔ تورّم واریانس حاکی از عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. معناداری آماره فیشر (۱۹۰/۵۹۲) بیانگر معناداری کلی مدل است. مقدار آمارهٔ دوربین ـ واتسون (۱/۸۲۱) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در باقیمانده‌های مدل است ولی معناداری آمارهٔ نسبت راستنمایی (۱۵/۲۴۱) در سطح ده درصد نشان می‌دهد که باقیمانده‌ها، مشکل ناهمسانی واریانس دارند و برای رفع این مشکل، مدل با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآورد شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع حدود

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۸۸ درصد از تغییرات قابلیت مقایسه را تبیین می‌نمایند. نتایج برآورد مدل با استفاده از معیار سوم قابلیت مقایسه نشان می‌دهد که ضریب متغیرهای اندازهٔ حسابرس، مدیریت سود، نوسانات بازده دارایی‌ها، منفی و ضریب متغیر دورهٔ تصدی حسابرس، مثبت و معنادار است. لذا، به جز فرضیهٔ چهارم، سایر فرضیه‌های پژوهش رد نشده‌اند.

جدول (٤). نتایج برآورد مدل (۹) با استفاده از معیار سوم قابلیت مقایسه (Comp3)

متغیرها	ضریب	تی استیودنت	معناداری	تورم واریانس
عرض از مبدا	-۱/۵۵۳***	-٦/۹۱٦	۰/۰۰۰	---
AudSize	-۰/۰٤۰***	-۱/۳۹۷	۰/۰۰۳	۱/۵۷۱
AudTenure	۰/۰۵٦***	۳/۵٦۵	۰/۰۰۰	۱/٤۸٦
EM	-۰/٦۳۰**	-۱/۹۱۱	۰/۰٤۷	۱/۹۹۷
Size	-۰/۰۱۲	-۰/۷۸٤	۰/٤۱۱	۱/۱٦۷
RVol	-۱/۵۱۱***	-۳/٦۹۹	۰/۰۰۱	۱/۰۸٤
Ke	۰/۵۷۲***	۳/۸۰٤	۰/۰۰۰	۱/۱۹٤
Debt	-۰/۱۷۹	-۱/۵۹۹	۰/۱۰۵	۲/۰٤۹
BM	-۰/۰٦۸**	-۲/۱٦٦	۰/۰۳۲	۱/٤۹۱
CFO	-۰/۸۸۱***	-۲/٤۵۳	۰/۰۰۱	۱/۲٤۹
Growth	۰/۰۵٤	۰/۹۱۸	۰/۲۱۸	۱/۲٤۰
Loss	۰/۱۱۳	۱/۰٦۱	۰/۲۹۱	۱/۱٦۳
ROA	۰/۰۰۹	۰/۰۳٤	۰/۹۵۸	۲/۲۲۱
اثرات صنعت	کنترل شد			
اثرات سال	کنترل شد			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۸۸/۱۷ درصد	آماره فیشر (معناداری)	۱۹۰/۵۹۲*** (۰/۰۰)	
دوربین-واتسون	۱/۸۲۱	نسبت راستنمایی (معناداری)	۱۵/۲٤۱* (۰/۰۸۵)	

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱درصد، ۵درصد و ۱۰درصد

۷- بحث و نتیجه‌گیری

قابلیت مقایسه یک ویژگی کیفی مهم اطلاعات مالی است که استفاده‌کنندگان را قادر به شناسایی تشابهات و تفاوت‌های عملکرد مالی شرکت‌ها می‌کند. استانداردهای حسابداری به تنهایی و به‌طور کامل پیامدهای گزارشگری مالی را مشخص نمی‌کنند، بلکه سایر ویژگی‌های شرکت نیز نقش مهمی در تعیین میزان قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی ایفا می‌نمایند. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به‌منظور سنجش متغیر قابلیت مقایسه، در این پژوهش از سه معیار مختلف استفاده شد. معیارهای اوّل و دوم در پژوهش‌های پیشین به‌کار گرفته شده‌اند. برای رفع ایرادات وارد به معیارهای قبلی، در این پژوهش از معیار جدیدی استفاده شد. یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

با استفاده از معیار اوّل نشان داد که متغیرهای اندازۀ موسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و نوسانات بازده دارایی‌ها اثر معناداری بر میزان قابلیت مقایسه دارند. نتایج با استفاده از معیار دوم نشان داد که مدیریت سود اثر منفی و اندازۀ شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد. نتایج پژوهش با استفاده از معیار سوم (که معیار پیشنهادی این پژوهش است) نشان داد که متغیرهای اندازۀ موسسه حسابرسی، دورۀ تصدی حسابرس، مدیریت سود و نوسانات بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری بر میزان قابلیت مقایسه دارند.

مطابق با یافته‌های پژوهش‌های پیشین خارجی، به دلیل محافظه‌کارانه‌تر عمل کردن مؤسسات حسابرسی بزرگ، انتظار می‌رود اقلام تعهدی اختیاری کاهش یابد و به تبع آن، قابلیت مقایسه افزایش پیدا کند. امّا نتایج حاصل از برآورد مدل اوّل و سوم پژوهش حاضر بیانگر تأثیر منفی اندازه موسسه حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است و این موضوع با یافته‌های پژوهش‌های پیشین داخلی مانند رودپشتی و همکاران (۱۳۹۵) و اخگر و خانقلی (۱۳۹۵) سازگار است. نتایج برآورد مدل پژوهش با معیارهای اوّل و سوم که بیانگر تأثیر مثبت دورۀ تصدی حسابرس بر قابلیت مقایسه است؛ با یافته‌های اخگر و خانقلی (۱۳۹۵) سازگاری دارد. در واقع، با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیران توانایی کمتری برای دست‌کاری سود دارند و سود از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد شد. این موضوع مؤیّد نقش مهم حسابرسان در دستیابی به صورت‌های مالی قابل مقایسه است. نتایج برآورد مدل پژوهش با استفاده از معیارهای دوم و سوم نشان داد که سطح اقلام تعهدی اختیاری رابطۀ منفی و معنی‌داری با قابلیت مقایسه دارد. این نتیجه بیانگر آن است که با افزایش مدیریت سود و کاهش کیفیت گزارشگری مالی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های راس و همکاران (۲۰۱۶)، سان (۲۰۱۶) و کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶) هم‌راستا است. در خصوص تأثیر اندازۀ شرکت بر قابلیت مقایسه، تنها نتایج برآورد مدل پژوهش با استفاده از معیار دوم مؤید وجود رابطه مثبت این دو متغیر است. به این معنی که در شرکت‌های بزرگ‌تر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتر است. در واقع مطابق نتایج پژوهش‌های پیشین، این‌گونه انتظار می‌رود که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل دسترسی به منابع مالی بیشتر، صورت‌های مالی با کیفیت‌تری ارائه دهند. این نتیجه با پژوهش راس و همکاران (۲۰۱۶) سازگار است. نتایج برآورد مدل پژوهش با استفاده از معیارهای اوّل و سوم حاکی از تأثیر منفی و معنادار نوسانات بازده دارایی‌ها بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. پر نوسان بودن سود و به تبع آن بازده دارایی‌ها برای شرکت مطلوب نبوده و مدیران ممکن است به منظور هموارسازی سود گزارش شده، صورت‌های مالی را دست‌کاری کرده و موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی و همچنین ویژگی قابلیت مقایسه شوند؛ بنابراین، در شرکت‌هایی با نوسانات

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

بازده دارایی‌های بیشتر، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، پایین‌تر است. این نتایج نیز با یافته‌های پژوهش راس و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

۸- پیشنهادها و محدودیت‌ها

پژوهش حاضر نشان داد که علاوه بر استانداردهای حسابداری، سایر عوامل نیز نقش مهمی بر سطح قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارند. با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده و تعیین تأثیرگذاری عواملی چون کیفیت حسابرسی و مدیریت سود بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، توصیه می‌شود این موضوع از طرف شرکت‌ها و نیز تدوین‌کنندگان مقررات مورد توجه قرار گرفته تا در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی مؤثر باشد.

از جمله مواردی که قابلیت تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر را با محدودیت روبرو می‌کند، عدم وجود معیاری عینی‌تر برای سنجش متغیرهای کیفی مانند کیفیت حسابرسی، مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. همچنین با توجه به استفاده از روش حذف سیستماتیک در انتخاب شرکت‌های مورد بررسی، توصیه می‌شود تا در تعمیم نتایج پژوهش با احتیاط عمل شود. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود سایر جنبه‌هایی که می‌تواند بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیرگذار باشد را شناسایی و بررسی کنند.

۹- منابع و مآخذ

اخگر، محمد امید و افشار کرمی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **بررسی‌های حسابداری** ۱(۴): ۱-۲۲.

اخگر، محمد امید و مولود خانقلی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه نوع حسابرس و قابلیت مقایسه اقلام سود و زیان. **فصلنامه حسابداری مالی** ۸(۳۱): ۱۰۰-۷۴.

ثقفی، علی و قاسم بولو، (۱۳۸۸). هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگی‌های سود. **تحقیقات حسابداری** ۱(۲): ۲۸-۴.

رهنمای رودپشتی، فریدون؛ حمیدرضا وکیلی فرد؛ فضل‌اله لک و عبدالرضا محسنی. (۱۳۹۴). سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. **فصلنامه حسابداری مدیریت** ۸(۲۵): ۲۹-۴۷.

سازمان حسابرسی. (۱۳۹۲). **استانداردهای حسابداری نشریه ۱۶۰**، چاپ ۲۳، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

سجادی، سیدحسین؛ منصور زرانژاد و علیرضا جعفری. (۱۳۸۸). ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۱۶(۵۷): ۶۸-۵۱.

فروغی، داریوش و پیمان قاسم‌زاد. (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۲(۴): ۵۰۰-۴۷۹.

کیا، علی و مهدی صفری گرایلی. (۱۳۹۶). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود. **دانش حسابداری مالی** ۴(۲): ۱۳۷-۱۱۵.

محمدی خشوئی، حمزه؛ عباس هاشمی و هادی امیری. (۱۳۹۴). تأثیر سبک حسابرس بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری. **فصلنامه حسابداری مالی** ۷(۲۷): ۱۴۹-۱۲۲.

مرادی، محمدعلی و امید میرزایی. (۱۳۹۳). **بررسی تأثیر نوسانات نرخ بازده دارایی‌ها بر هزینه سرمایه سهام عادی در بورس اوراق بهادار تهران**. رساله کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

مهرورز، فاطمه و محمد مرفوع. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی** ۱۳(۴۹): ۱۱۰-۸۳.

نبات دوست باغمیشه، محمدحسین و حیدر محمدزاده سالطه. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. **فصلنامه دانش حسابرسی** ۱۶(۶۲): ۱۷۶-۱۵۹.

نمازی، محمد؛ انور بایزدی و سعید جبارزاده کنگرلویی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۳(۹): ۱۸-۱.

هیئت تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۷۶). **مبانی نظری حسابداری و گزارشگری در ایران**. تهران: سازمان حسابرسی.

Ball, R. (2006). International financial reporting standards (IFRS): Pros and cons for investors. **Accounting and Business Research** 36(1): 5-27.

Ball, R., S.P. Kothari, and A. Robin. (2000). The Effect of International Institutional Factors of Properties of Accounting Earnings. **Journal of Accounting & Economics** 29(1): 1-51.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Barth, M. E., W.R. Landsman, M. Lang, and C. Williams. (2012). Are IFRS-based and US GAAP-based accounting amounts comparable? **Journal of Accounting and Economics** 54(1): 68-93.

De Franco, G., S.P. Kothari, and R.S. Verdi. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability. **Journal of Accounting Research** 49: 895-931.

Engelberg, J., A. Ozoguz, and S. Wang. (2017). Know Thy Neighbor: Industry Clusters, Information Spillovers and Market Efficiency. **Journal of Financial and Quantitative Analysis** (Forthcoming).

Financial Accounting Standards Board. (2010). Conceptual Framework for Financial Reporting. **Statement of Financial Accounting Concepts** No. 8. Norwalk, CT: FASB.

Francis, J.R., M. Pinnuck, and O. Watanabe. (2014). Auditor Style and Financial Statement Comparability. **The Accounting Review** 89: 605-633.

Healy, P.M., and J.M. Wahlen. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. **Accounting Horizons** 13(4): 365-383.

Kalogirou, F., V. Kiosse, and P. Pope. (2013). Accounting Comparability: Testing the Performance of the De Franco, Kothari and Verdi (2011) measure. Paper presented at the 36th **annual conference of the European Accounting Association**, Paris.

Kawada, B. (2014). Auditor Offices and the Comparability and Quality of Clients' Earnings. **Working paper**. San Diego State University.

Kim, S., P. Kraft, and S. Ryan. (2013). Financial statement comparability and credit risk. **Review of Accounting Studies** 18(3): 783–823.

Kothari, S.P., A.J. Leone, and C.E. Wasley. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. **Journal of accounting and economics** 39 (1): 163-197.

Myers, J.N., L.A. Myers, and T.C. Omer. (2003). Exploring the Term of the Auditor- client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?, **Accounting Review** 78: 779−800.

Neel, M. (2017). Accounting Comparability and Economic Outcomes of Mandatory IFRS Adoption. **Contemporary Accounting Research** 34 (1): 658-690.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Ross, J., L. Shi, and H. Xhi. (2016). **The determinants of accounting comparability around the world**, Working paper. Binghamton University.

Sohn, B.C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. **Journal of Accounting Public Policy** 35: 513–539.

Zhang, H. (2012). **Accounting comparability, audit effort and audit outcomes**, Unpublished doctoral dissertation. Louisiana State University.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]